

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



چرا انسان مؤمن اهل قهقهه حرکات جلف و سبک نیست؟

استاد شهید مرتضی مطهری (ره):

ویلیام جیمز می‌گوید: «اگر خوشی به‌انسان مذهبی رو آورد، خنده‌های جلف و سبک از او دیده نمی‌شود و اگر غمی به او روی نماید، ناله و ناسزا از او شنیده نمی‌شود». این وقار و سنگینی ناشی از این است که روح آدمی به واسطه مذهب، عمیق‌تر، بناقدتر و دوراندیش‌تر می‌شود و عمده چیزی که بر روح مؤمنان سایه می‌افکند و بلکه باید گفت سنگینی می‌افکند فکر مبدأ و معاد است. در اخبار دینی هم درباره رسول اکرم(ص) وارد شده که «ضحکه التبسیم» (خنده او تبسّم بود) و همچنین درباره مؤمن وارد شده که از قهقهه برهیز دارد. به هر حال این سنگینی و وقار مؤمنان به واسطه حمل بار بزرگی است که بر روح خود دارند. دیگران به منزله ماشینی خالی هستند که به سرعت در حرکت است و دیوارها و چوب‌هایش لقی‌لق می‌کند و آنها به منزله ماشینی هستند که ظرفیت خود را پر کرده و در دست‌انداها و بست و بلندی‌ها زیاد بالا و پایین نمی‌پرد و زیاد صداره نمی‌اندازد و ماشین هم برای بارگیری ساخته شده نه برای خالی حرکت کردن. در آدمی هم ظرفیت عقیده، ایمان و مذهب وجود دارد.

منتیج: **کاتال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به‌استناد یادداشت‌ها ج. ۴ ص. ۱۶۹ (با تلخیص)**



هیچ‌گاه دست از دعا بردارید

علی طالب‌لو در توییتی حدیثی را از امام صادق (ع) به اشتراک گذاشت. حضرت فرموده‌اند: هیچ‌گاه دست از دعا بردارید. شما با هیچ وسیله‌ای مثل دعا به درگاه خدا نزدیکی پیدا نمی‌کنید. و هیچ‌گاه درخواست حاجتی را بخاطر کوچک بودنش رها نکنید، چراکه اختیاردار حاجات ناچیز، همان اختیاردار حوائج بزرگ است. (امالی مفید، صفحه ۲۰)



زینب فربودی در توییتی نوشت: نانوائی‌های محله‌مون نان ۵تومنی رو ۱۰تومن می‌فروشند ولی تو کار تخوان به‌جای ۱۰ تومان می‌زندن دوتا نان ۵تومنی! با این کار تراکتش به‌صورت کاذب میره بالا و زودتر به تعداد معین برای گرفتن سهمیه آرد دولتی می‌رسند. بعدش که رسیدن با کار تخوان عادی نون می‌فروشند که مالیات ندن! یعنی شیطون هم درس میدان بعضی‌ها!



چه طلا فروش‌های خیر خواهی!

امین ترابی در توییتی نوشت: خندارو شکر چه طلافروش‌های خیر خواهی داریم؟! ببینید چهار تا طلافروش توی اردبیل قرض‌الحسنه تأسیس کردند تا به افراد نیازمند وام بدهند. واقعا دمشون گرم! سازمان مالیاتی هم اصلاً متوجه ۵۰ میلیارد فرار مالیاتی نشد!



در ایران رنگین‌کمان را در دل زمین می‌بینی

مجید میرزایی با انتشار تصویر فوق‌نوشته: همه دران رنگین‌کمون رو تو آسمون می‌بینند ولی اگه ایران باشی می‌تونی رنگین‌کمون رو تو دل زمین ببینی. وسط گنبد‌های نمکی در جنوب و جنوب‌غرب زاگرس... بی‌ظنیر، خارق‌العاده و چشم‌نواز.

گایربران

پنج‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ۷۱ ذی‌القعدة ۱۴۴۵

روزنامه جوان | شماره ۲۹ - ۷



کاربران شبکه‌های اجتماعی به مناسبت روز فردوسی از عظمت این حکیم ایرانی نوشتند

ستاره‌ای درخشان در کهکشان پرشکوه ادبیات فارسی

گوهرهای ایران زمین است.

علی قلی‌زاده:

شاهنامه بزرگ‌ترین منظومه حماسی و ملی جهان و سند هویت ملی ایرانیان است. نمادهای ملی-میهنی چون سرسزمین، سنت‌ها، تاریخ، زبان‌ملی مشترک، اسطوره و جایگاه مردم، دین‌ودولت در شاهنامه نمود یافته و کمک‌کننده‌دام «هویت ایرانی» بوده‌است. روز بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان فارسی خجسته‌باد.

مریم کرولایی:

همان‌طور که خود فردوسی گفت او می‌میرد زیرا شاهنامه هست. شاهنامه میراث نیاکان ما مسده‌ها پیش از فردوسی و یک سند ملی است. اما او آن را با سخن بی‌ظنیر و نظم زیبا برای همیشه در حافظه تاریخی جهان تثبیت کرد. پاسدار این میراث هستیم. #فردوسی #FerdowsiDay #امیر راقب:

به جای بارزشرایب شاهنامه بیا باید هر کدام تصمیم بگیریم از امروز یک کلمه لاتین که در زبان فرهنسره هر یک از ما پرتکرار شده است را با معادل فارسی جایگزین کنیم. خودم: «روال‌به جای ورتین». روی بی‌ظنیر و نظم زیبا برای همیشه در حافظه تاریخی جهان تثبیت کرد. پاسدار این میراث هستیم. #فردوسی #FerdowsiDay

فاطمه موسوی:

«فردوسی شیفته خرد است و به همین دلیل شاهنامه سرشار از خرد و پند است. امیدوارم شاهنامه که خردنامه آدمی است در زندگی ما استفاده شود تا بتوانیم به سمت رشد حرکت کنیم.» (میرجلال‌الدین کرزایی) #فردوسی

تعارف که نکردیم به فردوسی، حکیم گفتیم

کنید، می‌بینید که در نزاع بین اسفندیار و گشتاسب، حق با اسفندیار است یعنی اسفندیار یک حکیم الهی است. فردوسی از اول با نام خدا شروع می‌کند - «به نام خداوند جان و خرد / اکزین برتر اندیشه‌بر نگذرد» - تا آخر هم همین‌طور است فردوسی را با این چشم نگاه کنید. فردوسی، خدای سخنان است او زبان مستحکم و استواری دارد و واقعاً پدر زبان فارسی امروز است. او دلباخته و مجذوب مفاهیم حکمت اسلامی بود. شاهنامه را با این دید نگاه کنید.

البته بعضی‌ها زرتشتی مسلکند و بعضی‌ها هم نیستند. آنهايي که زرتشتی مسلکند، خوششان می‌آمد که به زرتشتی‌گری تظاهر کنند و چیزی درباره فردوسی بگویند اما حقیقت قضیه که این نیست. این شاهنامه فردوسی در مقابل مان است، شما خیال چه چهره‌ای دارد، اسفندیار چه چهره‌ای می‌کند که اگر در شاهنامه فردوسی چیزی برخلاف مفاهیم اسلامی وجود داشت، اینقدر در جوامع اسلامی‌جسا می‌افتاد؟ شما می‌دانید که در این نسل‌ها، گذشته، مردم ما چه قدر دینی بوده‌اند. در کدام خانه و کدام دود که کدام محله، شاهنامه نبود یا خوانده نمی‌شد؟ همه‌جا می‌خواندند و منافاتی هم با مفاهیم اسلامی نمی‌دیدند.



جعل لباس به خاطر نان بدون صفا!

مصطفی گرچی در توییتی نوشت: مرد مذهبی که با پوشیدن لباس نیروی انتظامی، تلاش می‌کرد کارهای روزمره‌اش را بدون صف و طسی روال اداری انجام دهد، زمانی که قصد خرید نان داشت، با مستشرقان رگیر و در نهایت بازداشت‌شدا بدبخت‌ترین جاعل جهان هم اینه!



مسئله کمبود اوقات فراغت است

نه تعطیلی پنج‌شنبه یا شنبه

حمید احتشام‌کیا در کانال شخصی خود در پیام‌سان ای‌تا از مسئله تعطیلی پنج‌شنبه یا شنبه نوشت. بخش‌هایی از یادداشت او در ادامه از نظر می‌گذرد: اگر مسئله اصلی، کمبود تعطیلات در طول سال یا به تعبیر دقیق‌تر، کمبود اوقات فراغت است، چرا باید محکوم به پاسخی از پیش تعیین شده باشیم؟ منظورم همان تعطیلات دوازده موسوم به تعطیلات آخر هفته است که در اغلب کشورها رایج شده است. وقتی این پاسخ ارائه‌شده را به عنوان پاسخی قطعی در نظر بگیریم، آن وقت مسئله این می‌شود که کدام دو روز متوالی باید تعطیل شود؟

پنج‌شنبه،جمعه‌با جمعه و شنبه؟

اما اگر بتوان از سایه پاسخ‌های قبلی خارج شد و فارغ از آنها به اصل مشکل یعنی کمبود اوقات فراغت پرداخت و سپس مسئله را این طور طرح کرد که: «چگونه می‌توان اوقات فراغت مطلوبی برای جامعه ایران اسلامی فراهم آورد؟» آنگاه خواهیم دید که پاسخ‌های بسیار بیشتری در پیش‌رویمان قرار خواهد گرفت.

مثلاً اگر قرار است براساس محاسبات صورت گرفته تقریباً ۴۰ تا ۵۰ روز به ایام تعطیلات در طول سال اضافه شود، فقط یک گزینه همان پاسخ رایج است که دو روز متوالی در هفته تعطیل باشد. اما می‌توان براساس ویژگی‌های زیست‌بوم ایرانی و متناسب با وضعیت آب‌وهوا و مناسبات فرهنگی، ۱۰ تعطیلی پنج‌روزه یا پنج‌تعطیلی ۱۰ روزه در طول سال در نظر گرفت. مثلاً یک پاسخ می‌تواند این باشد که دیه‌محرم به جهت برگزاری هر چه بهتر عزاداری‌های حسینی تعطیل باشد، یک دهه از اردیبهشت برای طبیعت‌گردی تعطیل باشد، یک دهه از عید فطر تعطیل باشد و یک دهه در نوروز یا یک دهه در تابستان و یک دهه در زمستان و گزینه‌های دیگری شبیه آن که تداخل هم نداشته باشند. پاسخ محتمل دیگر این است که ۴۰ یا ۵۰ روز به مرخصی‌های کارکنان اضافه شود و اجازه دهیم هر کسی خودش برای اوقات فراغتش برنامه‌ریزی کند و پاسخ‌های قابل بررسی دیگر.

روایت اربعین کلیمبه

کاتال‌تگرامی «mesbahyazdi_ir» بخشی از بیانات مرحوم علامه مصباح(ره) را به استناد سخنرانی ایشان در تاریخ ۱۳۰ /۱۳۰۶/۱۳ به اشتراک گذاشت. مرحوم مصباح(ره) در شرح ماجرای اربعین کلیمبه بیان داشته‌اند: سفر بنی اسرائیل از مصر به بیت‌المقدس مدتی طول کشید. در

این مسیر یکی از قضایای مهم تاریخی که اتفاق افتاد، مسئله نزول تورات بود. مردم فهمیده بودند که خدایی هست و حضرت موسی از طرف خدا برای نجات‌شان مبعوث شده است. کمابیش هم ایشان را به عنوان بزرگ‌تر قوم و کسی که باعث نجات‌شان شده قبول داشتند، ولی هنوز دستورالعمل و شریعتی رسمی برایشان نازل نشده بود. هنوز قومیت و وحدتی هم نداشتند تا قوم مستقلی شوند و برای خودشان هویتی داشته باشند. خداوند متعال وعده داد که تورات را برای آنها نازل کند که باعث هدایت‌شان باشد و راه زندگی را پیدا کنند. ابتدا خداوند به حضرت موسی دستور داد که یک ماه در کوه طور مشغول عبادت باشد؛ «وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، وَا وَ موسی ۳۰ شب وعده گذاشتیم»(اعراف، ۱۴۲)

در روایات متعددی آمده‌است که این یک ماه، همان ماه ذی القعدة بود. «وَأَتْمَمْتُهَا بِعَشْرِ» و آن را با ۱۰ شب دیگر تمام کردیم(اعراف، ۱۴۳). آخر ماه، خدای متعال به او فرمود ۱۰ روز دیگر نیز به آن اضافه کن. این ۱۰ روز همان دهه اول الی‌الحجّه است که در روایات ما برای عبادت در آن تأکید شده است و ادکار توحیدی و تهلیلات مخصوصی برای آن وارد شده و اصل اعمال حج نیز برای همین ۱۰ روز است. تقریباً بین محدثان اتفاق نظر است که این ۱۰ روز همان ۴۰ روزی است که در اسلام به نام «اربعین کلیمبه» معروف است و علمای بزرگ، احکام خاصی به آن دارند. پس از آن ۴۰ روز بود که خداوند متعال تورات را به صورت الواحی بر حضرت موسی نازل کرد.



دیگر با چه زبانی بگوید کتاب بخوانید؟!

امیر حسن اوصالی در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: راستش را بخواهید من برای این عکس بغض کردم. بغضی از سر شرمساری و بی‌سوادی! انس و الفت این مرد ربانی را با کتاب که می‌بینم، دوست‌دارم کتاب‌های خواننده‌ام ذهن او کرده و من را بی‌لعنند. دیگر با چه زبانی بگوید کتاب بخوانید؟! از مستند غیررسمی بگیریم تا عکس‌های خلوتش، نشان از یک سلوک می‌دهد که آن زیستن در عالم کتاب و اندیشه‌هاست. این مرد نورانی می‌گوید: «امروز کتابخوانی و علم‌آسوزی نه تنها یک وظیفه ملی که یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان، باید احسان وظیفه کنند، اگر چه آنگاه که انس با کتاب رواج یابد، کتابخوانی نه یک تکلیف که یک کار شیرین و یک نیاز تعقل‌ناپذیر و یک وسیله برای آراستن شخصیت خویشتن، تلقی خواهد شد و نه تنها جوانان که همه نسل‌ها و قشر‌ها از سر دلخواه و شوق بدان رو خواهند آورد.» (پیام به‌مناسبت آغاز هفته کتاب در سال ۷۲)

به‌واژه واجب دینی فکر می‌کنیم؟! اصلاً من معتقدم جامعه با تحریم و جنگ و... از پای نمی‌افتد. جامعه بی‌کتاب و بی‌اندیشه همیشه محکوم به نابودی است. ثمره این بی‌کتابی‌ها را می‌توان در انتخابات، نحوه معاشرت، کیفیت تعامل، فرهنگ عمومی، و... مشاهده کرد. حتی نابودی اسقاطیل، در قله بودن، سلوک در مدار امید و... همه مقدمه‌ای هستند که ذی‌المقدمه‌اش مطالعه است. باید بخوانیم تا بفهمیم. و بعد از فهمیدن دیگر وقت خارش سر هم نداشته باشیم! باید جهاد کنیم، آن هم از نوع تمییزش، و آن نیز از نوع جریان‌سازی.

کجاست حلقه‌های کتابخوانی‌مان؟ کجاست نظم مطالعه‌ای‌مان؟ کجاست نقد و بررسی کتاب‌های خوانده‌شده‌مان؟ کجاست قفسه کتاب‌های مطهری، شریعتی، مصباح...؟ و کجاست رهان بینوایان‌مان؟

من نه با نیایش فیلسوف دنیائی ذوق کردم و نه با جامعه باز بوپر! اصلاً اینها را من نیز در کتابخانه‌ام دارم. ولی من همانقدر مست ملاحظت شدم که ذوق مرگ قرآن خواندنش! میان آن همه افکار بشری این مرد مجاهد بر ایمان قرآن تلاوت می‌کند، و قرآن همان مبانی گم‌شده ما حزباللهی‌هاست. اگر بخوانیم و مقصد قرآن نباشد باختنایم. اگر بشنویم و صوت قرآن نباشد باختنایم. اگر بگویم و کلام قرآنی نباشد گمراه کرده‌ایم. اصلاً فلسفه به‌تنهایی مسیر را دور و دراز می‌کند. خیلی‌ها فلسفه می‌خوانند تا قرآن را فقهیم کنند. پس زندگی در عالم کتاب شیرین است. اما شیرین‌تر از آن سلوک در عالم قرآن است، و این عکس برایم، یک مشق شب بود که از آخرین باری که قرآن خوانده‌ام، چند ساعت یا چندماه می‌گذرد؟



تصویری از یک کودک عشایر

خبرگزاری ایسنا